



کلات نادری / خراسان رضوی

حسین رسولزاده

عکس‌ها:

محمدعلی رضایی

گلیم‌بافی در «آقداش»، روستایی نزدیک مرز ترکمنستان
چند سالی است که حسابی رونق گرفته است

هنری بر لبه ایران

از کلات دور راه وجود دارد؛ یکی نرسیده به تونل ورودی شهر می‌پیچد سمت چپ و صاف می‌رود سمت «چَرَم» و «سینی» و «ایدیلیک» تا هزار مسجد را دور بزند و برسد به درگز؛ یک راه هم از خود کلات، صاف می‌رود سمت مرز؛ سمت روستاهای پرت افتاده‌ای که آخرین آبادی‌های آباد هستند، پیش از رسیدن به صحرای «قره‌قوم» که پهن شده در جغرافیای ترکمنستان.

آخرین آبادی، «آقداش» است؛ چند کیلومتری مانده به مرز؛ درست کنار یک چین‌خوردگی بزرگ که تپه‌های بلندی درست کرده و دره «قله‌زو» را ساخته است. من اسم این چین‌خوردگی را گذاشته‌ام «لبه ایران».

آقداش درست همان‌جاست؛ روستایی بر لبه ایران؛ با هنری زیبا که زیرانداز مردمش را شکل می‌دهد. آقداش، با گلیم‌هایش حالا مدت‌هاست جهانی شده است.



● روستای آقداش

اکرم رضایی خودش هم گلیم‌بافی می‌کند؛ گاهی رتق و فتق کارهای خانه و کارهای بیرون از خانه بگذارد، می‌نشیند پشت دار گلیم و گلیم می‌بافد.

آقداش یکی از روستاهای کلات نادری است. نبود آب و پستی و بلندی‌های زمین نشان می‌دهد که ساکنان گذشته آقداش این مکان را برای سکونت انتخاب نکرده‌اند. به باور آقداشی‌ها، پدران آن‌ها از مناطق مختلف مانند سبزوار، نیشابور، بزرگان سرخس، درگز، استان فارس و همچنین از کشور ترکمنستان، به دلایل مختلف مثل نگهداری از مرزها، شرکت کردن در جنگ‌های گذشته، دست‌اندازی شوروی سابق تا مرز ترکمنستان به این منطقه کوچ کرده‌اند. حالا بازماندگان این قبایل و طوایف با سکنه بومی آن مناطق که ترکان آن‌ها را «تات» می‌نامیده‌اند، مخلوط شده‌اند و جاگیر شده‌اند در شمال شرق کلات نادری؛ در آقداش.

یک آقداش است و یک «اکرم رضایی». اکرم رضایی برای آقداش و هنر مردمش، همه‌کاری کرده است؛ از دیدن وزیر بگير تا غرفه زدن در نمایشگاه‌های آن طرف آب. اکرم رضایی اگر حوصله و همت نمی‌کرد، هنر پیرزن‌های آقداش با خودشان، رحل اقامت به سرای دیگر می‌افکند و این هنر هم به همه آن هنرهایی می‌پیوست که در گذر روزگار و در غفلت ما مردم، چراغش خاموش شده است.

چراغ هنر گلیم‌بافی در آقداش اما روشن مانده است و روز به روز بر روشنایی‌اش هم افزوده می‌شود. همین چند سال پیش به‌سختی می‌شد پیرزنی را پیدا کرد که بلد باشد گلیم یا آن‌طوری که خودشان می‌گویند پلاس بیافد؛ حالا در هر خانه‌ای را در آقداش بزنی، خانمی از پای دار گلیم برمی‌خیزد و در را باز می‌کند.